



محاکمه سران منافقین همچنان ادامه دارد

هفتمین جلسه رسیدگی به اتهامات ۱۴ نفر از سرکردگان گروهک تروریستی منافقین صبح دیروز در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. در این جلسه نماینده دادستان ادامه کیفرخواست را قرائت کرد و جزئیات اتهامات متهمان ردیف‌های ۱۷ تا ۸۹ را بیان کرد. قرار است رسیدگی به پرونده هفته آینده ادامه پیدا کند.

ان‌سوی مرز

قتل فجیع همزاد



دختر ۲۳ساله آلمانی-عراقی به اتهام کشتن همزاد خود که او را در فضای مجازی یافته بودمر احل محاکمه را پشت سر می گذارد.

به گزارش همشهری به نقل از سان، در اگوست سال ۲۰۲۲، دختر ۲۳ساله عراقی-آلمانی به نام شهریان که در اینگولشتات آلمان زندگی می کرد و به شدت به فعالیت در فضای مجازی پرداخت. شهرایان مدت‌ها در یوتیوب اوب به‌دنبال دخترانی علاقه داشت تصمیم عجیبی گرفت. او تصمیم گرفت از هویت فردی شبیه خودش که در فضای مجازی شهرت داشت استفاده کند. بنابراین به جست وجو برای پیدا کردن همزادش را باور کرد و شهرایان و نامزدش شگنیر یا خدیجه قرار گذاشتند. شبیه خود می‌گشت و ددختر را یافت و تلاش کرد با آنها از تباط برقرار کند تا اینکه از این شفر، یک نفر به نام خدیجه در دام شهرایان افتاد. خدیجه یک وبلاگ نویس اهل الجزایر و ساکن هلیبرون در اشتوتگار بود.

اما داستان وحشتناک شهرایان در ۱۹اگوست ۲۰۲۲م رقم خورد. او با همدستی نامزدش پیامی برای خدیجه فرستادند و گفتند که وی در مسابقه زیبایی برنده شده است. خدیجه حرفشان را باور کرد و نامزدش و نامزدش شگنیر یا خدیجه قرار گذاشتند. آنها او را سواری یک مرسدس کردند و درباره مسابقه زیبایی حرف زدند. آنها دختر جوان را با ۶هضربه چاقو به قتل رساندند و جسدش را راه وارد یک مسیر جنگلی شدند و با چاقو به خدیجه حمله کر دند. آنها دختر جوان را با ۶هضربه چاقو به قتل رساندند و جسدش را راها کردند. شهرایان با این هدف که بعد از مرگ خدیجه می‌تواند با هویت او در فضای مجازی فعالیت کند، لباس و کیف خدیجه را برداشت و با خود برد. اما او ابرار همان روز متوجه شد که خانواده خدیجه پلیس را در جریان ناپدید شدن او قرار داده‌اند. با اطلاع از این خبر وحشت کرد و تصمیم گرفت به همراه نامزدش فرار کند اما اواخر همان روز پلیس جسد خدیجه را پیدا کرد و با به‌دست آوردن شواهدی در صحنه جنایت، قاتلان را شناسایی کرد. بدین ترتیب پلیس در ۱۸اگوست ۲۰۲۲، شهرایان و شگنیر را دستگیر کرد و آنها به قتل خدیجه اعتراف کردند. کنسراد کلیتگ، رئیس هیأت منصفه از دادگاه ناحیه اینگولشتات، گفت که شهرایان به اتهام قتل همزاد خود و شگنیر به اتهام کمک به قتل در حال محاکمه هستند و محاکمه احتمالا تا پایان ژانویه ادامه خواهد داشت.

جنایی

قتل نعروس؛ پایان درگیری ۲مرد آشنا



در گیری ۲مرد آشنا به‌خاطر محموله ۴۰میلیونی شیشه، به قتل‌زنی جوان منجر شد.

به گزارش همشهری ، بمبادا دیروز به قاضی امیرحسین علیمردان خبر رسید که زنی جوان هدف شلیک گلوله قرار گرفته و جان باخته است. زن جوان ۲۲سال سن داشت که به دستور بازپرس جنایی، تحقیقات برای کشف اسرار این تیراندازی آغاز شد. بررسی ها حاکی از آن بود که درگیری در یکی از خیابان‌های تهران رخ داده است و مقتول شب حادثه با نامزدش سواری بر ماشین بوده است. در این شرایط بود که مأموران به تحقیق از نامزد این زن که شاهد تیراندازی بود، پرداختند. وی گفت: من و همسرم (مقتول) چندماه قبل با یکدیگر نامزد شدیم و قرار بود به‌زودی مراسم عروسی مان را جشن بگیریم اما مردی به نام ایرج جان نامزد ما را گرفت. این مرد ادامه داد: مدتی قبل با ایرج در یک مهمانی آشنا شدم و او پیشنهاد داد تا با ما هم کار کنیم. او می‌گفت در زمینه خرید و فروش دارو فعالیت دارد و آخرین بار یک محموله تحویل داد و گفت به‌دست مشتری اش برسانم. می‌گفت محموله اکالیپتوس است که من بی‌آنکه در بسته را باز کنم تحویل مشتری او دادم، ۳۰میلیون تومان پول را هرچه به ایرج رساندم. چند روز بعد ایرج سراغ من آمد و گفت محموله‌ای که برداشتی شبیه بوده. من از محتوای آن بی‌اطلاع بودم. ایرج می‌گفت به جای شیشه، زاج قرار داده‌ای و حالا یا باید محموله شیشه را پس بدهی یا ۴۰میلیون تومان پول را. هرچه به ایرج می‌گفتم من از محتویات محموله بی‌اطلاع بودم و اصلا در آن را باز نکردم. باورش نمی‌شد. تا اینکه شب حادثه به مقابل خانه مادرم رفت و به تهدید او پرداخت. من و نامزد م وقتی متوجه این موضوع شدیم به سراغ ایرج رفتیم که او ناگهان شروع کرد به سمت ما تیراندازی کردن. نامزدم پرستو با موبایلش فیلم گرفت تا مدرکی باشد و ما به پلیس نشان بدیم. ناگهان یکی از گلوله‌ها به کتف پرستو برخورد کرد و گوشی از دستش افتاد. ایرج فرار کرد و من وحشت‌زده نامزد مرا به بیمارستان رساندم اما او به‌رغم تلاش پزشکان جانش را از دست داد.

پس از تحقیق از این مرد، تیمی از کارآگاهان جنایی تحقیقات خود را برای بازداشت عامل این تیراندازی مر مجبار آغاز کردند.

گزارش الهه فرامانی روزنامه‌نگار

اغلب سارقان با انگیزه هرسیدن به پول و حل مشکلات مالی شان دست به سرقت می‌زنند اما پول انگیزه همه سارقان نیست. تعجب کردید؟ جالب است بدانید گاهی مجرمان با انگیزه‌هایی کاملا عجیب سرقت می‌روند؛ اینکه می‌خواهند دست به اکتشافاتی بزنند و اتفاقات عجیبی را تجربه کنند. این افراد معمولا مشکل مالی ای ندارند و تنها انگیزه‌ای که باعث می‌شود سراغ سرقت برونند، تجربه هیجان است. به همین دلیل نگاهشان به خلاف و تبهکاری، شکل عجیبی از تفریح و سرگرمی است. این گزارش، ماجرای دزدانی است که با چنین انگیزه‌های عجیبی دست به سرقت می‌زنند. همین چند روز پیش بود که پسر ۲۲ساله‌ای توسط مأموران پلیس پایتخت دستگیر شد. او مسلط به ۴ زبان دنیااست و در یک خانواده ثروتمند بزرگ شده است و به گفته خودش مشکل مالی ندارد، بلکه صرفا برای سرگرمی و تجربه هیجان پیش به دنیای مجرمان باز شده است.

اسمش آرین است. او چند روز قبل وقتی با اعضای یک گروه سرقت راهی خیابانی در شمال پایتخت شده بود، دستگیر شد. همدستان وی برای ارتکاب سرقت قدم در یک ساختمان لوکس گذاشته بودند و او به همراه یکی از اعضای گروه، مقابل ساختمان ایستاده و کشیک می‌داد تا چنانچه مورد مشکوکی دید، همدستانش را خبر کند اما وقتی گشت پلیس رسید دستپاچه شد و همین موضوع به دستگیری او واعضای دیگر گروه ختم شد. او اما هرگز به دستگیری و زندانی شدن فکر نکرده بود و حالا که گیر افتاده به شدت پشیمان است. آرین در گفت و گو باهمشهری می‌گوید: من فقط می‌خواستند هیجان سرقت را تجربه کنم. برای من جنبه تفریح و سرگرمی داشت. البته بعد از هر سرقت سردسته باند به من پول هم می‌داد که خب من هم می‌گرفتم. اما پول اصلا برام اهمیت نداشت. وقتی می‌دیدم بچه‌ها در حالی که مضطرب هستند وارد خانه می‌شوند و در حالی که استرس دارند خانه‌ها را خالی می‌کنند، حس هیجان خوبی داشتم. اینکه باید در کمترین زمان ممکن، سرقت را انجام داده و فرار کنی، برام تجربه جالبی بود.

آرین درباره عضویتش در این باند هم می‌گوید: من کار ثابتی نداشتم، چون پدرم خیلی پولدار است و هوای من مرادار. او یک تاجر ثروتمند است و من از کودکی علاقه داشتم که بازیگر شوم. در همان دوران در چند فیلم و سریال ترکیه‌ای هم بازی کردم، به‌واسطه شغل پدرم مدتی در ترکیه و مدتی در آلمان زندگی می‌کردیم. به همین دلیل به زبان‌های انگلیسی، ترکی استانبولی و آلمانی مسلط هستم.

یک بار دوستانم مرا دعوت کردند به یک مهمانی. در آنجا سارقی آشنا شدم و وقتی فهمیدم به تاگی از زندان آزاد شده و باز هم سرقت می‌کند، از او خواستم تا مرا هم با خودش به سرقت ببرد. می‌خواستم شیوه و شگرد سارقان را از نزدیک ببینم، چون می‌خواستم در آینده فیلمساز شوم، نیاز به تجربه چنین هیجانی داشتم.

آقای خوش تیپ پاند

آرین درباره وظیفه‌اش در این باند هم می‌گوید: من فقط با آنها همراه می‌شدم تا کسی به سارقان

مشکوک نشود. می‌دانید چرا؟ چون من پولدارم، لباس‌های شیک و گرآقیمت می‌پوشم. چهره موجهی دارم و خوش‌تیپم. اگر در خیابان کسی مرا ببیند قطعاً متوجه می‌شود که آدم حسابی هستم. من با سارقان همراه می‌شدم تا اگر مأموران پلیس سر رسیدند یا در خیابان ما را دیدند، مشکوک نشوند. علاوه بر این نقش زاغزن را هم داشتم. یک آدم خوش‌تیپ و خوش‌لباس که می‌ایستاد در گوشه‌ای و خانه‌ای که سارقان وارد آن شده بودند را زیر نظر می‌گرفت. خب کسی به چنین فردی مشکوک نمی‌شود.

برای این کار هم سردسته باند شی ۲ تا ۳میلیون تومان به من دستمزدمی داد. البته من با باندھای مختلفی همکاری کرده‌ام. از سرقت منزل گرفته تا سرقت خودرو، لوازم خودرو و کابل‌های برق. سرکردگان این باند که تعریف مرا شنیده بودند، تماس می‌گرفتند و پیشنهادهای همکاری می‌دادند و اگر حوصله‌اش را داشتم قبول می‌کردم.

خانواده‌ای خبر بودند

آرین در پاسخ به این سوال که آیا خانواده‌ات خبر داشتند که سا دزدان و خلاقان‌کنار معاشرت و سرقت می‌کنی نیز می‌گوید: نه اصلا. اگر می‌دانستند که حالا اینجا نبودم، شاید فکر کنید معنادم اما نیستم. فقط انگلی کل می‌کنم و مشروبات الکلی مصرف می‌کنم اما معتاد نیستم. تا حالا در



حدود ۱۰ سرقت حضور داشته‌ام و در همه این مدت هرگز به دستگیری فکر نکرده بودم. اگر می‌دانستم روزی گرفتار خواهم شد و به زندان می‌روم هرگز تصمیم نمی‌گرفتم هیجان را تجربه کنم.

قهرمان کشتی

مرور پرونده‌های حوادثی نشان می‌دهد که افرادی مثل آرین کم نیستند؛ کسانی که تنها به خاطر تجربه هیجان و سرگرمی، سر از دنیای تبهکاران در آورده‌اند. نمونه دیگرش مردی بود که به جرم کیف‌قاپی و گوش‌قاپی دستگیر شده بود. او قهرمان کشتی بود و مدال طلا داشت اما می‌گفت هیجان سرقت را دوست دارد. اینکه می‌تواند کیف یا گوش‌ی مردم را از دستشان بچابد و فرار کند برایش مانند هرچند این قهرمان کشتی تصور می‌کرد دوندۀ خوبی هم هست و می‌تواند به راحتی فرار کند اما در آخرین سرقت خود، وقتی پلیس سر بزنگاه می‌او را گرفت، نتوانست فرار کند و دستگیر شد.

بازداشت آقای مهندس

شاید باور کردنی نباشد اما همه مجرمانی که خلاف می‌کنند، بی‌سواد و از قشر ضعیف جامعه نیستند، بلکه گاهی افراد تحصیلکرده هم فکر تبهکاری به سرشان می‌زند. مانند آقای مهندس تحصیلکرده‌ای که به خاطر تجربه هیجان تبدیل به سارقان سفارش سرقت می‌داد. این آقای مهندس پس از دستگیری به باختری اعتراف کرد و گفت: من در بازار

بخشش قاتل در بوییش «به عشق حاج قاسم گذشت می‌کنم»

خانواده جوانی که چندی قبل در بم به قتل رسیده بود در جریان بوییش «به عشق حاج قاسم گذشت می‌کنم» قاتل فرزندشان را بخشیدند. این قتل سال ۹۷ بر اثر خشم آبی اتفاق افتاده بود که بعد از برگزاری چند جلسه صلح و سازش، اولیای دم مقتول با بخشش قاتل، زندگی دوباره‌ای به او بخشیدند.



انگیزه‌های عجیب سارقانی که دست‌به‌دزدی می‌زنند مسئله‌مالی و به دست آوردن پول نیست

انگیزه‌های عجیب دزدان شکم‌سیر

در زمینه خرید و فروش مواد غذایی فعالیت داشتم. اما یک روز تصمیم گرفتم هیجان سرقت را تجربه کنم. می‌دانید چرا؟ چون عاشق موتور سرعت هستم. وقتی نوجوان بادم پشت موتور می‌نشستم و در خیابان‌های پایتخت ویراز می‌دادم، حتی در مسابقات هم شرکت می‌کردم. همین شد که اقدام در کار سرقت موتور. اما چه شد که اقدام در کار سرقت؟ همه چیز از روزی شروع شد که دوستانم گفتند بیا برویم سرقت. من هم نتوانستم نه بگویم. اولین موتور را که دزدیدیم، از هیجان سرقت خوشم آمد و همین شد که از ادامه دادم. مدتی بعد دستگیر شدم و پس از آزادی تصمیم گرفتم در مجال طلا شرکت کنم و این بار مالختری را انتخاب کردم. راستش مالختری کارش راحت است. به سارق سفارش سرقت می‌دهی و همان مدل و همان رنگ چند ساعت بعد مقابل در خانه‌ات هست، بی‌آنکه خودت استرس بکنی!

اعترافات عجیب سارق میلیارد

شاید برایتان عجیب باشد که رستوران ا رثیه پدری، ماشین مدل بالا و وضع مالی خوب هم نتوانست هیجان را بر زندگی پسری جوان براند و او تصمیم به سرقت گرفت تا به قول خودش هیجان مرده زندگی اش را زنده کند. وقتی از او می‌پرسیم که چرا باید او با وضع مالی خوب سارق شود، می‌بخند می‌زند و می‌گوید: یک روز دلم می‌خواست در طرح پلیس، جلوی دوربین‌ها ببایم و خبرنگاران از من سؤال کنند. هیجان معروف شدن شاید دلیلی بود که با این همه ثروت به سراغ سرقت رفتم. من لیسانس مکانیک دارم و خبرهای حوادث را در روزنامه‌ها دنبال می‌کنم. البته دلم می‌خواست خلبان شوم، در کل دلم می‌خواست کاری انجام بدهم که هیجان داشتم بشاوری می‌گوید: تخصص من سرقت انباری است. با خودروی شاسی‌بلند خودم ماشین‌های لوکس به کمین می‌نخستم. به محض اینکه یکی از ساکنان بیرون می‌آمد، وارد پارکینگ شده و سرقت را انجام می‌دادم.

مکت

تجربه هیجان یا حس طردشدگی

مرور پرونده‌های این جنینی و شنیدن اعترافات عجیب افرادی که می‌خواستند هیجان را تجربه کنند، نشان می‌دهد که آنها از مشکلات روحی و روانی رنج می‌برند. بسترهای مختلفی برای بروز چنین بیماری‌هایی که به روح و روان برمی‌گردد وجود دارد. عز بزلله تاجیک اسماعیلی، روانشناس با بیان این جملات به همشهری می‌گوید: هر فردی که متولد می‌شود ویژگی‌های منحصر به خودش را دارد که بخشی از آن اکتسابی است و بخش دیگر در خانواده یا جامعه شکل می‌گیرد. به عنوان مثال برخی در گروه افراد هیجان‌خواه قرار می‌گیرند و برخی دیگر از گروه هیجانسی فرار می‌کنند. اما درباره افرادی که از گروه هیجان‌خواه هستند، باید گفت که این دسته از افراد، شخصیت‌های بی‌باک و تهرسی دارند. اغلب ریسک‌پذیر هستند و برای تخلیه هیجان خود دست به هر کاری می‌زنند. خانواده‌ها باید به این دسته از افراد توجه بیشتری نشان بدهند چرا که اگر احساس طردشدگی درونشان قوت یابد، دست به کار خطرناکی خواهند زد. به عنوان مثال باید حواسشان باشد که فرزندانشان را چه افرادی معاشرت می‌کنند و بعد توجه‌نظ مشاور و روانپزشک قرار بگیرند تا سلامت روان آنها مورد بررسی قرار بگیرد.

وی ادامه می‌دهد: پس از خانواده، جامعه نیز در زندگی این دسته از افراد هیجان‌خواه نقش مهمی دارد. به عنوان نمونه باید دید در جامعه چه الگوهای برای تخلیه احساس هیجان وجود دارد و به آنها پیشنهاد می‌شود. پس در واقع منشأ این اتفاقات، خانواده و زمینه‌های اجتماعی است.

این روانشناس درباره بستری که موجب می‌شود این دسته از افراد برای تجربه هیجان به خلاف روی بیاورند، می‌گوید: دزدی کردن یک روش تخلیه هیجان است، هرچند الگوی نامناسب است اما می‌تواند به شکل یک رفتار ضداجتماعی تلقی شود. یعنی فرد به دلیل بسترهای نامناسب و ناپرابری‌هایی که در جامعه وجود دارد



سعید در خالی کردن عقده‌هایش دارد. با خوششان می‌گویند حالا که بنیان جامعه به‌هم ریخته، من هم به انجام اینس کار ضرب‌های به جامعه بزنم. برواق برخی از این افراد استدلالشان این است اما برخی دیگر نه. می‌ادامه می‌دهد: به‌عنوان نمونه، چند وقت قبل با پسر نوجوانی که در کانون اصلاح و تربیت زندانی است صحبت می‌کردم که او می‌گفت فر از دست پلیس برایش هیجان آور است. اینکه می‌تواند به راحتی وسیله‌ای را سرقت کند و بعد با فرار بگذارد. او از اینکه می‌توانست پلیس را به چالش کشد، احساس قدرت و هیجان می‌کرد. این فرد در یک خانواده پولدار بزرگ‌شده بود و مشکل مالی نداشت. وقتی از کودکی او پرسیدم متوجه شدم که وی از همان دوران کودکی حس طردشدگی را تجربه کرده است. لزوماً پولدار بودن، دلیل بر این نیست که فرد خوشبخت است. بسیاری از پدر و مادها، به این فکر می‌کنند که اگر نیاز مالی کودک تأمین شود مسائل دیگر بی‌اهمیت است و چه بسا که نیازهای دیگر کودک تا نایده بر گرفته می‌شود. در حالی که باید ابتدا ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی کودک دیده شود. اغلب افراد پولداری که می‌خواهند هیجان را تجربه کنند نیاز به دیده شدن دارند.

این روانشناس درباره درمان این افراد گفت: بیشتر این افراد به دستگیری فکر نمی‌کنند و می‌گویند اگر می‌دانستند دستگیر می‌شوند هرگز دست به خلاف نمی‌زدند. برواق به پایان و عقابت کاری که انجام می‌دهند فکر نمی‌کنند. شناخت انگیزه‌های فرد هیجان‌خواه بسیار مهم است و با مشاوره درمانی، بستر زندگی سالم برای این افراد فراهم خواهد شد.

جوان مسافرکشی، قاتل زنان مردنی

مرد جوان که برای سرقت طلا، آژن را در شهرستان مرند سوار خودروی خود کرده و با کشتاندن به باغی در اطراف شهر به قتل رسانده بود، دستگیر شد. درحالی‌که احتمال می‌رود این مرد، افراد دیگری را هم با این شگرد به قتل رسانده باشد، تحقیقات از او ادامه دارد.

به گزارش همشهری، از چند روز پیش پلیس شهرستان مرند در جریان ناپدید شدن آژن جوان قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد که این دوزن آخرین بار برای انجام کاری از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته بودند. همه شواهد از این حکایت داشت که آنها دچار سرنوشتی هولناک شده‌اند و در این شرایط تحقیقات برای یافتن ردی از آنها آغاز شد.

درحالی‌که بررسی‌ها ادامه داشت، معلوم شد که فردی با در دست داشتن کارت بانکی قربانیان، راهی عابربانک شده و اقدام به برداشت پول نقد کرده است. مأموران با بررسی‌های تخصصی و بازبینی فیلم‌های دوربین‌های مداربسته، تصویری از این فرد که مردی جوان بود به‌دست آوردند و در ادامه تحقیقات موفق شدند هویت او را شناسایی کنند. در ادامه مشخص شد که وی اهل یکی از روستاهای اطراف مرند است که با خودروی پژو ۴۰۵ خود در این شهر مسافر کشی می‌کند. دستور بازداشت این مرد صادر شد و مأموران او را در یک عملیات ضربتی دستگیر کردند. مرد جوان پس از انتقال به اداره آگاهی به قتل آژن گمشده اعتراف کرد و مدعی شد، پس از اینکه قربانیان را که طلای زیادی

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۱۱۱۰



داخلی

قصاص قبادلو؛ خط پایان

فریب خوردگان رسانه‌ای



۲۸۷ روز پس از شهادت یکی از مأموران یگان امداد در جریان درگیری‌های خیابانی، عامل این جنایت که بنابر اعترافات خودش تحت تاثیر القاتل رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی معاند به مأموران حمله کرده و باعث شهادت یکی از آنها شده بود، در زندان قزل حصار قصاص شد. به گزارش همشهری، ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۱، می‌گفت که شماری از مأموران پلیس در سطح شهر برند، در حال کنترل عاملان درگیری‌های خیابانی بودند، پسر جوانی تحت تاثیر رسانه‌ها، شبکه‌های معاند و ابواش رسانه‌ای سواری یک خودروی پیکان سفیدرنگ با سرعت زیادی به‌سوی مأموران موتورسواری برده شد. او مأموران را با خودرواش زیر گرفت و قصد فرار داشت که توسط شاهدان و سایر مأموران دستگیر شد. در جریان این حادثه مخفف از مأموران به‌شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شدند اما یکی از آنها به نام فرید کرم‌پور بر اثر شدت جراحت‌ها ورده به شهادت رسید.

به‌دنبال این حادثه با اعلام شکایت اولیای دم شهید کرم‌پور رسیدگی قضایی به این پرونده آغاز شد. عامل قتل که محمد قبادلو نام داشت وقتی تحت بازجویی قرار گرفت اعتراف کرد که به‌طور عمدی و با هدف آسیب‌زدن به مأموران پلیس دست به این کار زده است. در این شرایط پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در جلسه محاکمه اتهامات قبادلو قتل عمد، شروع به قتل ۵ مأمور نیروی انتظامی، صدمه‌زدنی به دادگاه منتقل مورد معاملات معاند به‌نیروی انتظامی اعلام شد. قضات دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده متهم را گناهکار تشخیص داده و با توجه به درخواست اولیای دم او را به قصاص محکوم کردند. قضات دادگاه همچنین بابت اتهام «شروع به قتل ۵ مأموران یگان امداد از طریق برخورد عمدی به وسیله خودرو و به قصد قتل آنها متهم را به تحمل ۱۰ سال حبس تعزیری و بابت اتهام «خراب عمدی» ۶دستگاه موتورسیکلت سازمان یگان امداد فرماندهی انتظامی شهرستان رباط کریم، به جبران خسارت و یک و نیم‌سال حبس تعزیری محکوم کردند که در مورد مجازات‌های تعزیری، فقط مجازات اشد قابل اجراءست.

به‌دنبال صدور این حکم متهم و کلاهی مدافعش به آن اعتراض کردند و پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد. با این حال حکم دادگاه در دیوان نیز تأیید و همه‌چیز برای اجرای حکم مهیا شد. در شرایطی که شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شده بود با نامه پزشک معاینه‌کننده به رئیس قوه قضاییه و قضات دیوان عالی کشور و کلاهی متهم اجرای حکم متوقف شد. هر چند رئیس کل دادگستری استان، تجویز اعاده دادرسی را موجب تسهیح حق اولیای دم می‌دانست اما رئیس قوه قضاییه با اعاده دادرسی موافقت کرد و پرونده بار دیگر به دیوان عالی کشور فرستاده شد.

در دور تازه رسیدگی به این پرونده در دیوان عالی کشور، قضات دیوان تقاضای اعاده دادرسی متهم را رد و حکم قصاص را تأیید کرد. در چنین شرایطی بود که صبح سه‌شنبه حکم قصاص متهم در زندان قزل حصار اجراء شد. این حکم با وجود بررسی چند باره پرونده حاشیه‌هایی را درنبال داشت. از جمله اینکه ادعا شد قبادلو دچار اختلالات روانی بوده است. در همین ارتباط مرکز رسانه قوه قضاییه در گزارش اعلام کرد: طبق معاینات و بررسی‌های پزشکی قانونی، عامل و شواهد از اختلال عمدۀ روانشناسی که باعث فقدان قوه تمیز و کنترل اراده محمد قبادلو شود در زمان وقوع جرم در نامبرده مشاهده نشده و مسئول اعمال و رفتار خود بوده است. همچنین اتهامات محمد قبادلو در ۲ دادگاه مستقل مورد بررسی قرار گرفت. او در متهم در دادگاه کیفری یک-استان تهران به اتهام «قتل عمد» و پرونده دیگر در دادگاه انقلاب اسلامی تهران به اتهام «فساد فی‌الارض از طریق اقدام گسترده علیه مأموران موتوروی نیروی انتظامی» با اصابت خودروی سواری مورد بررسی قرار گرفت. او در دادگاه انقلاب نیز به اتهام افساد فی‌الارض از طریق اقدام گسترده علیه مأموران موتوروی نیروی انتظامی به اعدام محکوم شد که به‌دلیل اعاده دادرسی متهم، قرار توقف اجرای حکم اعدام تا زمان صدور حکم دادگاه کیفری در پرونده قتل عمد صادر شده بود.

حکم اعدام ماهان صدرات شکست

این صدرات از متهمان حوادث سالل ۱۴۰۱ که پیش از این به اعدام محکوم شده بود با نقض حکمش در دیوان عالی کشور به تبعید محکوم شد. به گزارش همشهری، به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، ماهان صدرات ۲۰مهرماه سال ۱۴۰۱ در درگیری‌های خیابانی تهران شرکت کرده و موجب ایجاد ناامنی شده بود. در این شرایط پرونده او با اتهامات محاربه به دادگاه انقلاب فرستاده و او به اتهام محاربه به اعدام، از جهت اجتماع و تبانی به تحمل غسل حبس، از جهت فعالیت تبلیغی به تحمل یک سال حبس، از جهت آتش‌زدن به ۳سال حبس و از جهت ایراد ضرب عمدی با چاقو به یک سال حبس و پرداخت دیه در حق شامی محکوم شد. این پرونده پس از تأییدداری در دیوان عالی کشور، با درخواست اعاده دادرسی متهم و با توجه به اعلام گذشت شاکي‌ها و ارائه دلایل و مدارک جدید بار دیگر به دادگاه فرستاده شد. در دومین دور از محاکمه ماهان صدرات دادگاه با رسیدگی مجدد به پرونده و بررسی مستندات، متهم را از جهت اتهام «محاربه» به تحمل یک سال حبس و از جهت اجتماع و تبانی زندان یکی از شهرستان‌های کشور، از جهت اجتماع و تبانی به تحمل ۵سال حبس و از جهت فعالیت تبلیغی به تحمل یک سال حبس محکوم کرد.

